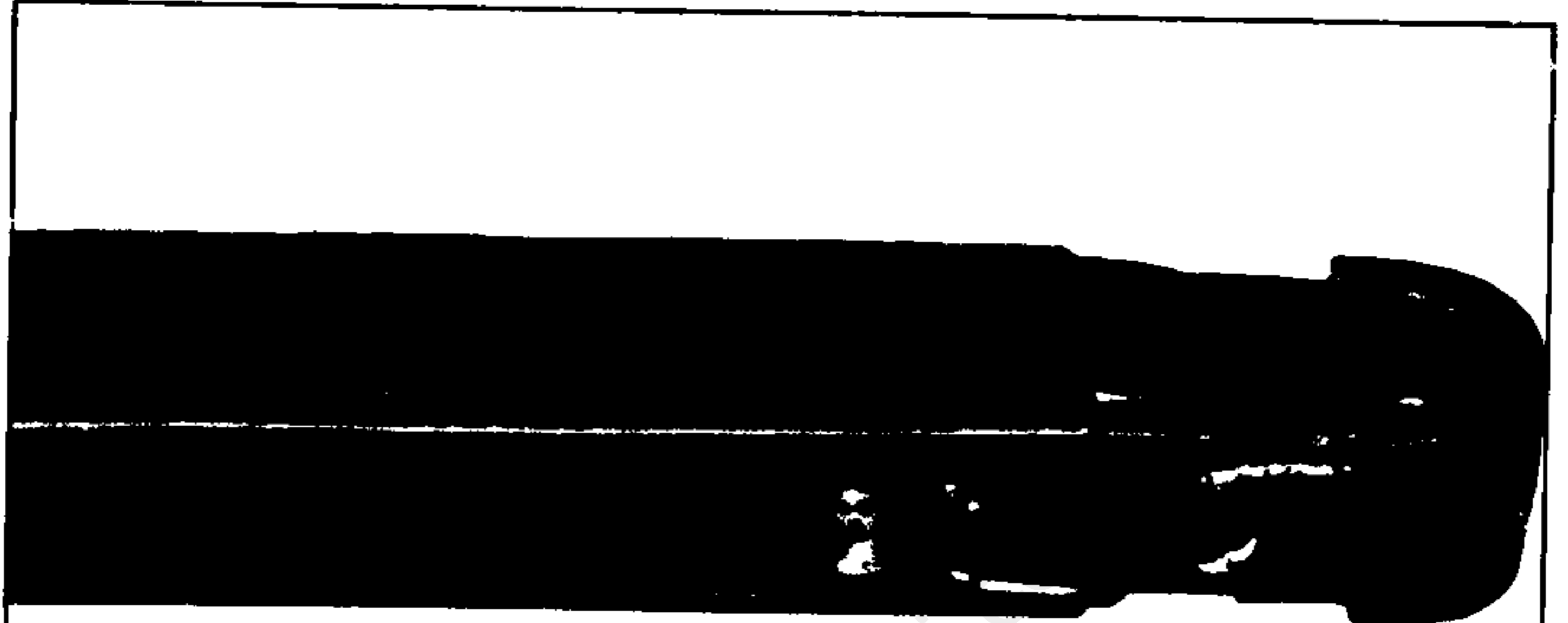


نشر تاریخ ایران: ۱۸

مجموعه‌ی متون و اسناد تاریخی: ۱۵



در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...
 در باب ...

مخابرات استرآباد

(گزارشهای حینقلی مقصدولو وکیل الدوله)

جلد دوم

(۱۹۱۷/۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۴۵/۱۳۴۴ هجری قمری)

به کوشش: ایرج افشار، محمدرسول دریاگشت

www.KetabFarsi.com

بهاء صد تومان

کتابخانه
۱۳۷۰

نشر تاریخ ایران

۱۸

مجموعه متون و اسناد تاریخی

کتاب پانزدهم

(قاجاریه)



نشر تاریخ ایران

www.KetabFarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

معارف

موضوع آثاری که نشر تاریخ ایران منتشر می کند، اختصاص دارد به متون، اسناد، و پژوهش های تاریخی در باب گذشته های ایران. این آثار تحت عنوان:

مجموعه ای متون و اسناد تاریخی

مجموعه ای پژوهش های تاریخی

ارائه می شوند. ویژگی این آثار، اختصاص آن ها است به زمینه های فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی تاریخ ایران. هدف از نشر این آثار، شناخت کم و کیف گذران مردم است در ایران گذشته که چسان زیستند، برچه بودند و برایشان چه رفت.

نشر تاریخ ایران

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فهرست مندرجات

۵۲۳	مخابرات سال ۱۹۱۷ (۷ ربیع الاول ۱۳۳۵/۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۶)
۵۷۱	مخابرات سال ۱۹۱۸ (۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۶/۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۷)
۶۳۱	مخابرات سال ۱۹۱۹ (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۷/۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸)
۶۸۳	مخابرات سال ۱۹۲۵ (۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸/۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۹)
۷۳۹	مخابرات سال ۱۹۲۱ (۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۹/اول جمادی الاولى ۱۳۴۰)
۷۹۳	مخابرات سال ۱۹۲۲ (۲ جمادی الاولى ۱۳۴۰/۱۲ جمادی الاولى ۱۳۴۱)
۸۴۷	مخابرات سال ۱۹۲۳ (۱۳ جمادی الاولى ۱۳۴۱/۲۲ جمادی الاولى ۱۳۴۲)
۸۹۱	مخابرات سال ۱۹۲۴ (۲۳ جمادی الاولى ۱۳۴۲/۴ جمادی الثانی ۱۳۴۳)
۹۲۵	تصاویر

مخابرات استرآباد

گزارشهای حسینقلی مقصودلو وکیل الدوله

جلد دوم

(۱۹۱۷/۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۳۵/۱۳۴۳ هجری قمری)

به کوشش:

ایرج افشار

محمدرسول دریاگشت



تهران، فلسطین شمالی، ۱۴۶، طبقه سوم، نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص) تلفن:
۶۵۹۸۴۴

□ نام اثر: مخابرات استرآباد، گزارشهای حسینقلی مقصودلو وکیل‌الدوله، جلد دوم (۱۹۱۷)،
۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۳۵/۱۳۴۳ هجری قمری)

□ به کوشش: ایرج افشار؛ محمدرسول دریاگشت

□ چاپ اول

□ تاریخ چاپ: شهریورماه ۱۳۶۳ خورشیدی

□ حروفچینی و چاپ: نقش جهان

□ لیتوگرافی: پیچاز

□ صحافی: میخک

□ تیراژ: ۵۰۰۰ (پنج‌هزار) نسخه

□ حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

مخابرات استرآباد

١٩١٧

٧ ربیع الاول ١٣٣٥ - ١٧ ربیع الاول ١٣٣٦

www.KetabFarsi.com

نمره ۲۵

۱۱ جنواری ۱۹۱۷

درباب فرار

ترکمانهایی که در صحرای کنیزک اردو داشته تماماً اهل و عیال خود را به سمت کتیک چای فرستاد بودند بعد از فرار تراکمه داز که روسها به قرب هزارخانه را چاپیده تعاقب می کردند در بندر ایمر محاذی خاک فندرسک ترکمانها بسخو نموده بودند، روسها دوسه شلیک در آنجا کرده اثری به ظهور نرسید. یک مرتبه یورش آوردند. از طرف تراکمه شلیک تفنگ شد. صد نفر متجاوز با یک نفر صاحب منصب روس مقتول، شش ساعت جنگ سختی نمودند. ترکمنها استقامت نکرده فرار اختیار کردند. عجالتاً به قرب شش هزار خانوار از تراکمه چمور که رعیت ایران باشند باشش هزار خانوار تراکمه چاروا مال و گوسفند و شتر و آنچه لوازمات زندگانی داشته دست برداشته به سمت کتیک و صونغ داغ رفته، روسها هم تعاقب نموده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

روز دویم ماه جنواری حسینقلی خان معاون ... به عنوان پیشکاری حکومت استرآباد به اتفاق میرزاتقی خان ضیاء حضور رئیس کابینه وارد به دارالحکومه گردید. مشغول به رسیدگی امورات ولایتی می باشند.

درباب تلگراف بی سیم

روسها شرارت تراکمه را بدتحریک مهدی شاه میرپنجه فندرسکی تصور نمودند. متصل و یک رشته به گنبد قابوس مخابره می شود.

درباب فندرسک

روسها شرارت تراکمه را به تحریک مهدی شاه میرپنجه فندرسکی تصور نموده، آنچه به توسط حکومت مشارالید نوشته شد که برای رفع سوءظن قونسول و رئیس قشون

بشهر بیابند ابداً اعتنائی نکرده بعد از فرار کردن ترکمانها امر شد یکصد و پنجاه نفر قزاق و یک صاحب منصب باغلام قونسلگری به فندرسک رفته، میرزاهادی خان سرتیپ برادر مهدی شاه میرپنجه را باپسرش سیدحسین خان دستگیر [کرده] در قریه خارکلاه توقیف داشته، مهدی شاه فرار اختیار نموده روسها مطالبه مالیات سه ساله را از رامیان می نمایند.

درباب غارت

اولاً از طایفه اتابائی الی گنبد قابوس تراکمده تماماً متواری شده اند. آنچه خانه بوده با اجناس و آذوقه از قبیل گندم و جو گذارده رفتند. روسها هر قدر توانسته [اند] اسبابهای سنگین قیمت را غارت کرده حمل به گوک تپه و آق قلعه نموده و آنچه را که اهالی دهات از کتول الی سرخونکلاه چاپیده انبارهای جو و گندم را به غارت می بردند. خسارت تراکمده دو بیست هزار تومان می شود. تراکمده بعد از فرار گاو و گوسفند خود را نتوانسته جمع آوری نمایند. به قرب صد هزار تومان هم خسارت مویشی آنها می شود. آنچه که روسها آورده چهار صد گاو را به مازندران فرستاده به قیمت سهل فروختند. الیوم که یازدهم ماه جنواری می باشد چهار صد گاو دیگر را از راه کتول وارد کرده اند. ایضاً یکصد و پنجاه عرابه به آق قلعه فرستاده شده که اسباب غارت شده را بیاورند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

روز مذکور عباسقلی خان سرتیپ پسر سردار افخم به مأموریت استرآباد و ریاست پانزده نفر قزاقها وارد گردیدند.

نمره ۳۵

۲۴ جنواری ۱۹۱۷

درباب املاك خالصه

جنرال پاتایف بعد از فرستادن يك عده قزاق و سالداد برای وصول مالیات رامیان مهدی شاه میرپنجه تسلیم شده مشغول پرداختن مالیات است. چون سال قبل قریه کردمحل به حیدرقلی خان مسعود السلطان دوازده هزار تومان اجاره داده بود تاکنون وجه اجاره به واسطه اغتشاش کردمحل و طرفیت اهالی با مسعود السلطان تأخیر افتاد. مشارالیه می گفت مالیات را نگرفتم. رعیت کردمحل می گویند که گرفته است. لذا به توسط حکومت مشارالیه را به قونسلخانه برده دو ساعت توقیف نموده دوازده هزار تومان سندفمه ای از مسعود السلطان گرفته است. مشارالیه به زحمات زیادی به توسط کارگذار و حکومت جنرال پاتایف راضی کرده است چند نفری با مسعود [السلطان] به کردمحل بروند و تحقیقات نمایند

هرآینه مالیات را گرفته است از عهده وجه دوازده هزار تومان شخصاً برآید. هرآینه هر قدر نزد رعیت توقیف و در محل مانده گماشته جنرال مذکور متقبل شده وصول نمایند.

درباب گرفتن قزاق

به موجب قرارداد دولتین برای قشون ساخلوی دولت علیه محمد حسن خان سرتیپ بایک نفر کپتان روس و میرزا حسین خان پسر ناظم السلطنه برادرزاده مرحوم علاءالدوله برای گرفتن قزاق روز چهاردهم ماه جنواری وارد شدند. پانصد نفر از استراباد، پانصد نفر مازندران، پانصد نفر شاهرود و دامنجان می خواهند دقزاق بگیرند.

درباب نزاع ترکمان

به عرض رفته بود روسها تعاقب تراکمه یاغی رفته، در کتیک چای سه شب و سه روز نزاع سختی واقع شد ترکمانها نا علاج راه فرار ندانسته جنگ دست و پنجه باشمشیر می نمایند و بعد فراراً آنچه باقی مانده به سمت کردستان رفتند. به موجب تلگراف بی خبر رسیده از بس نعلش تراکمه ریخته است بیابان عفن شده قشون امپراطوری مراجعت به گنبد قابوس نموده است. خبر افواهی هزار و شصت نفر طرفین مقتول و تراکمه اهل و عیال خود را دست برداشته به کردستان رفتند و باقی اموال غارت وزن و بچه را روسها امر نموده هر یک به جای خود مراجعت نمایند.

درباب اموال تراکمه

اهالی کتول اموال تراکمه داز و دو بیچی را آنچه غارت کرده بودند به امر قونسول سه نفر گماشته حکومت به کتول رفته آنچه اموال غارت شده است جمع نموده به قونساخانه بیاورند.

درباب نزاع

هفدهم ماه مذکور یک عرابه اموال غارت شده تراکمه را هشت نفر قزاق از راه آق قلعه به شهر می آوردند، بیست نفر ترکمان چاروا گردش می کردند، با روسها جنگ نموده پنج نفر طرفین مقتول شده، ترکمانها فرار کردند و سه رأس اسب ترکمان غنیمت روسها می شود.

درباب افغان

در استراباد شهرت دارد افغانها به سبب هم مذهبی تعصب ورزیده به امیر بخارا ایراد کرده است چرا از طوایف خود کمک نمی کند و می گویند افغانها از دولت روس بازخواست خواهند کرد. بر حسب هم مذهبی و اسلامیت استبعادی ندارد که از برادر خودشان کمک

و همراهی کرده نگذارند دوازده هزار نفوس عیال و مواشی آنها به دست سالدادروس بیفتند.

در باب هوای استرآباد

الیوم که دویم برج دلو است چهارماه می شود در استرآباد بارندگی نکرده هوا بسیار معتدل [است] و اشجار شکوفه نموده است. تاچه اقتضا کند.

در باب خبر

حین حرکت پست خبر رسید قشون روس فقط در گوکلان زد و خوردی کرده يك صد نفر روس باسد صاحب منصب مقتول چند نفر ترکمان مجروح شده روسها به واسطه سختی راه کتیک که محل سکونت تراکمه است جرأت^۲ نکرده مراجعت کردند.

نمره ۴۵

غره ماه فروری ۱۹۱۷

در باب آبادی

بعد از فرار تراکمه اتابائی و ایلغی که روسها تعاقب کردند به قرب پنجاه نفر سالداد بایک نفر صاحب منصب مستحفظ اموال غارت شده در آق قلعه قراول گذاشتند. در ضمن امر شد در آق قلعه منازل چندی بسازند. آجرهای عمارت جهانسوز میرزا و بناهای آق قلعه از قبیل حمام و سربازخانه ها که در زیر خاک پنهان شده بودند امر شد ترکمانهای جعفر بائی روزی هشتاد نفر، صد نفر آمده آجرها را بیرون کرده اطراف آق قلعه را با آجر و گل سربازخانه می سازند. باچوب و تخته منازل را پوشانیده، از روی نقشه که خیال کشیدن راه آهن دارند بندرگاه معظمی خواهد بود.

در باب خبر

بیست و پنجم جنواری به قونسول از شاهرود تلگرافاً خبر داده شد که يك عده قشون عثمانی از راه کبیر^۲ حوض سلطان عازم استرآباد هستند. برای جلوگیری يك عده قزاق و سالداد دهنه زرین گل که شش فرسخی مشرقی باشد فرستاده و دو بیست نفر هم در جنب مرزبانکلاته دو فرسخ و نیم مسافت مشرقی واقع است محاذی گرمابدشت که دهنه شاهرود باشد اردو منعقد نموده از قراء استرآباد هم به توسط ایالت ایلجاری می برند که محافظت نمایند. تاچه اقتضا کند.

۲- اصل = جرعت.

۳- (= کویر).

درباب تراکمه

بیست و هفتم ماه مذکور سه نفر از رؤسای ترکمان که یکی افغان قاضی طایفه جعفربائی و محمدخان ایلمی و حاجی آدینه‌بای اتابائی [باشد] از راه شاهرود بد طهران رفته تظلم نمایند.

درباب قزاق استرابادی

به عرض رفته بود يك نفر کاپیتان روسی به اتفاق سه نفر، چهار نفر صاحب منصب بریگاد از طهران آمده، ارگ دولتی را قزاقخانه قرارداد مشغول تعمیرات هستند. قزاق داوطلبی سوار ماهی یازده تومان و پنج هزار گرو نگاه داشته تا چهار سال. اسب هم باشخص قزاق است. پیاده ماهی پنج تومان. عجمالتاً بدقرب سی نفر سواره و پیاده گرفته شده است. تا چه اقتضا کند.

درباب ورود قشون روس

سی ام ماه جنواری برای ورود رشیداف جنرال قونسول روس از طرف حکومت و کارگذاری نیم فرسخی شمالی استقبال رفته، مقارن غروب از راه قراسو با درشکه وارد به شهر گردیده روز سی و یکم رسماً حکومت و کارگذاری با سایر مأمورین قبل از ظهر دیدن نموده گریگرایف قونسول سابق هم سه هفته دیگر عازم پتر گراد می باشد. مأموریت مشارالیه در وزارت خارجه معین شده است.

درباب فندرسک

به عرض رفته بود میرزا هادی خان فندرسکی را روسها حبس کرده مهدی خان میرپنجه هم اطاعت امر روسها را می نماید. مجدداً از طرف قونسولگری امر شد میرزا هادی خان را به شهر حاضر نمایند. مهدی خان میرپنجه فرار کرده در میقان که چهار فرسخی بسطام [است] رفته و زیر بار او امر جنرال باتایف نمی رود. تا چه اقتضا کند.

نمره ۵

۱۲ ماه فرواری ۱۹۱۷

درباب جنگ روسها با تراکمه

جنرال ماگرید که برای مجازات تراکمه مأمور بود تعاقب تراکمه یاغی می رود، به قرب صد خانوار تراکمه فقیر بی طرف که در پنج فرسخی مشرقی گنبد ساکن بودند تمام آنها را چابیده، بعضی از مردان آنها را به قتل رسانیده باقی زن و مرد آنها را اسیر کرده به گنبد قابوس آورده حبس نمودند. لکن ترکمانهایی که در کتیک بوده از طایفه

چمور که تبعه ایران باشند به سبب سختی آذوقه به قریب صد نفر تسلیم شده خدمت جنرال ماگرید آمدند. تراکمه چاروا و غیره که در کتیک [چای] ساکنند جنرال مذکور خواست آنها را به پولتیک دستگیر کند، ابدأ قبول نکردند به سبب سختی راه برای قشون جنرال از آنها چشم پوشانیده امر نمود شترهای تراکمه چاروا را از بیابان چپاول کرده آوردند.

درباب کنیاز مرکن

معظم‌الیه در هیجده سال برای آبادی گنبد و انعقاد کمیسیون به اتفاق میرزا علی اشرف خان احتشام‌الوزاره کارگذار سابق استرآباد مأمور بودند، سیم ماه فرواری خبر رسید برای اغتشاش طوایف یموت به گنبد قابوس آمده اصلاح نماید. دویت نفر زن و مرد ترکمان که در کمیسیون حبس بودند تماماً را مرخص می‌نماید. جنرال ماگرید [در] مراجعت از کتیک آنچه اموال غارت شده ترکمان بوده در گنبد قابوس توقیف می‌کند. بعد به آق‌قلعه سه فرسخی شمالی شهر آمده اطراف آق‌قلعه راسیم‌خاردار می‌کشند. صد نفر مستحفظ آنجا گذارده چند عرابه اموال غارت شده را حمل به شهر می‌نماید و قدغن کرده قشون روس از قراء استرآباد رستاق تفنگهای رعیت را جمع نمایند. چند روزی روسها در دهات که وارد شده سیورسات گرفته باعث اذیت اهالی گردیده که اربابان دهات در شهر به هیجان آمده انجمن نمودند و از جنرال قونسول خواهش کردند [اگر] عقیده شما به جمع‌آوری تفنگ باشد ما خودمان جمع کرده تسلیم می‌نمائیم. روز نهم فرواری برای ورود جنرال ماگرید رئیس قشون جمعی از طرف ایالت و کارگذاری نیم فرسخی شمالی استقبال رفته وارد به قونسولخانه شدند. دوهزار نفر از قزاق و سالداد همراه داشته بیرون دروازه که سر بازخانه مفصلی ساخته‌اند منزل کردند. روز دهم فرواری بعد از ظهر جنرال مذکور به آق‌قلعه رفته یک نفر عوض خود نایب رئیس قرارداد برای توجه قشون روانه به روسیه می‌شود. از قراری که مذکور است دویت نفر سالداد به مأموریت استرآباد توقف [نموده] بقیه قشون متدرجاً عازم روسیه می‌شوند.

درباب موآشی تراکمه

ایضاً چهار هزار گوسفند و هفتصد رأس گاو از تراکمه روسها چپاول کرده به قراسو می‌برند. آنچه گوسفند برده دار است نگاه داشته گوسفند بی‌بره را و نر را حمل به بادکوبه نمودند، به انضمام گاو را. ایضاً روز مذکور جنرال ماگرید سیصد رأس مالهای تراکمه را از اسب و مادیان جمع کرده به آق‌قلعه برده، بیست رأس اسب خوب را انتخاب نموده باقی را اسم صاحبانش را روی پارچه تخته نوشته گردن مال آویزان نموده به صاحبش سپردند. تاجه شود.

درباب خبر

منتشر است عساکر عثمانی راه منجیل را تصرف کرده‌اند و قشون روس که در استرآباد است عزیمت به سمت اترلی خواهند نمود. تاجه اقتضا کند.

نمره ۶

۱۹ ماه فرواری - ۱۹۱۷

درباب مسافرت

دوازده ماه فرواری گریگرایف قونسول سابق باتمام خوانین و کارگذاران دولتی خداحافظی نموده به احترام او نیم فرسخ مشایعت کرده جنرال ماگرید رئیس قشون هم از آق قلعه حرکت نموده به اتفاق به روسیه رفتند.

درباب رامیان

ایضاً خبر رسید يك عده قوشونی که مأمور رامیان بودند مقدار سیصد قبضه تفنگ از آنجا گرفته و نسبت به زندهای رامیانی افعال قبیحه بی اندازه نمودند. در خانه های مردم آنچه اسباب و فروش خوب بود گرفتند. مطالبه مالیات دوساله هم دارند.

درباب تلفون روسها

ایضاً به امر روسها و تصویب حکومت که فراش بادوسه نفر قزاق روسی رعایای اطراف شهر را باشلاق به جنگل فرستاده چوب زیادی برای تلفون از شهر به آق قلعه [آورده] و همه روزه هیزم برای سالدادهای قراول ببرند. بیست نفر قزاق مأمور سنگر بندی زیر حد قریه فوجرد يك فرسخی شهر شده مشغول ساختن چند کمه می باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب مسافرت

جنرال پاتایف مستاجر سپهدار اعظم کارهای دهات خالصه استرآباد را به گرمانویج واگذار کرده روز پانزدهم فرواری شتابانه به اتفاق پانصد نفر قزاق و سالداد به روسیه رفتند.

درباب مواشی تراکمه

به امر جنرال ماگرید ده نفر قزاق مأمور شدند تراکمه ایل که نزاع نداشته آنچه گوسفند دارند مناصف نمایند. نصف را روسها گرفته برای مخارج قشون از راه دریا به روسیه فرستادند و نصف را به صاحبانش مسترد کردند.

درباب تخلیه خانه های استرآبادی

صاحب منصبان روس برای کثافات^۴ اردوی بیرون شهر که تولید ناخوشی بوده به توسط قونسول چند باب خانه مرغوب توی شهر می خواهند. قونسول به حکومت اظهار

داشته چند باب خانه در محل میهنچه گران که در حمایت حاج شیخ حسین مشروطه خواه بود خالی کرده، صاحبان خانه از ترس اسباب زندگانی خود را گرفته به محل دیگر رفتند. در ضمن دخل فوق العاده برای محمدباقر خان سردار رفیع تصور شده، در هر محل چند باب خانه را توقیف [کرده]، از صاحبان خانه هر يك ده تومان، بیست تومان گرفته اغماض می نمایند. روسها که در شهر منزل کرده فوراً سیم تلفون به قونساخانه [کشیده]، از آنجا به اردوی بیرون شهر متصل می نمایند.

درباب گرفتن تفنگ استرابادی

روسها از دهات کتول تا تردیکی شهر تفنگهای مردم را جمع نموده بلوک سدن رستاق را از حکومت خواستند که تفنگها را جمع نمایند. اکثر خلق تفنگهای خود را در زمین پنهان کرده و آنچه تفنگ شکسته و باطل از قبیل برزنکه قدیم روس و تفنگ شکاری بوده به دیوانخانه آوردند. دو مرتبه توی شهر جار کشیدند که اهالی تفنگهای خود را تسلیم نمایند. دو عده از اسلحه را پنهان کرده، یک عده تفنگها را دهن پر و متفرقه باشد به دیوانخانه برده به ریاست یک نفر صاحب منصب روسی قراری برای تفنگهای مردم بدهند.

نمره ۷۵

غره ماه مرج ۱۹۱۷

درباب سوار ترکمان

روسها بعد از تسلیم شدن تراکمه و ثبت مواشی آنها بنای گرفتن سوار را گذارده فعلاً بیست نفر سوار از طایفه اتابائی گرفته اند. ملا باقر خان پسر حاج آخوند را رئیس آنها قرار داده لکن تراکمه از ترس هر کس اسب داشته به قیمت خیلی سہلی می فروشند که مبادا سوار دولت روس محسوب بشوند.

درباب تلگراف

به سبب اغتشاش استراباد که نتیجه آن حرکات سپهدار اعظم تنکابنی است، از یک طرف شمال قزوین را با املاک خالصه استراباد معاوضه نموده، یک طرف به قوه قهریه روسها املاک استراباد [را] هم تصرف داشته، بیست و دویم ماه فرواری عموم علمایان استراباد در یک نقطه ازدحام کرده به توسط وزیر جنگ تلگرافی به احمدشاه عرضه داشته اند که دست این ظالم را از املاک خالصه دولت کوتاه نمایند که نزدیک است اهالی بلد و بلوک از تعدیات روسها جلای وطن کرده متواری بشوند.

درباب گرمجمله

بیست و چهارم ماه مذکور يك عده قشون روسی از قراسو به گرمجمله رفته مطالبه تفنگ می نمایند. اهالی گرمجمله چند قبضه تفنگ دهن پر با ورندل تسلیم آنها نموده قبول نکردند. اطراف خانه های علمای گرمجمله را سالداد گذارده، آخوند ملامحمدهاشم و ملا نظر علی مجتهد را با محمدجان ارباب و چند نفر دیگر دستگیر کرده، يك شب و يك روز ایشان را لخت کرده حبس می نمایند. به توسط مجتهدین شهر باقونسول مذاکره می شود. معظم الیه به قراسو تلفون کرده ایشان را مرخص نموده، به فاصله چهار ساعت مجدداً محبوسین را گرفته به قراسو برده توقیف می نمایند. از طرف قونسول يك نفر غلام به قراسو رفته ایشان را رها نموده به شهر آمدند. تاجه اقتضا کند.

درباب روسها

از قرار مذکور انقلاب گیلان اسباب وحشت روسها گردیده دراسترآباد هر محله دو سه باب خانه مردم را جداً تخلیه کرده منزل نمودند. دو عراده توپ هم بایک عده قشون بیست و ششم ماه فرواری در کاروانسرای حاجی محمد مهدی قراول گذارده محافظت می نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب اصلاح

کنیاز مرکن که به گنبد قابوس آمد به واسطه مهربانی سابق به تراکمه تمام رؤسای چاروا و چمور را احضار کرده تماماً خدمت ایشان رفته. مرکن، ارشلق [را] که بزرگ طایفه چاروا است و محرك اساس ۷ جنگ بود روسها حکم کردند پنج هزار نفر شتر و هزار نفر پاسبان برای شترها به عنوان جزیمه از ایلات چاروا جمع نموده دو ماهه تسلیم کند. آنچه مادیان در ید تراکمه بود ضبط نمودند. باقی مواشی را مناصف کرده و تراکمه چمور اطراف گرگان را اجاره داده هر کس به محل اقامت سابق خود می روند، و قشونی که در گنبد قابوس بود متدرجاً به قراسو آمده با پراخوت عزیزت بهرشت می نمایند. در آق قلعه بندری دایر شده که به عرض رسید. هر چند خانه در سنگرسواد که بین آق قلعه و گنبد واقع است سنگری قرار داده، شصت نفر سوار در آنجا قراول گذارده اند. مخارج آنها را باید تراکمه طایفه داز متحمل بشوند. تاجه اقتضا کند.

۶- اصل: اخطار.

۷- اصل: اثاث

۸- اصل: ظبت.

نمبر ۸۵

۱۹ ماه مرج ۱۹۱۷

درباب سرقت

شب دویم ماه مرج در بازار دکان سیدرضانام بزاز داماد شیخ محمدباقر فاضل به قرب هزار تومان اجناس ذرعی سرقت شده و نامعلوم است.

درباب حکومت

محمدباقرخان سردار رفیع برای پیشرفت حکومتی از قونسول خواهش کرده پنجاه نفر سالداد بایک صاحب منصب برای تنظیفات شهر گردش نمایند. چند روز سالدادها به کسبه بازار سختگیری برای پاک کردن بازار نموده و مردم را خیلی بی احترامی نمودند و بی جهت اعزه را چوبزده اهالی بازار دکاکین رابسته به کارگذاری رفتند. کارگذار رسماً به قونسول نوشته جواب دادند حکومت متظلم شده که اهالی شهر از من شنوایی ندارند. قونسلخانه به عنوان کمک پنجاه نفر سالداد فرستاده توی شهر و بازار را باکوچه ها پاک نمایند و چراغ گذاری شود. بر حسب خواهش رسمی کارگذار قدغن شده سالدادها معترض کسی نشوند. تنظیفات شهر و غیره به عهده شخص حکومت است.

درباب کمیسیون

اعتصام الممالک رئیس کمیسیون از پارسال تا کنون فقط چند روزی در گنبد قابوس توقف نموده مراجعت می نمایند. نهم ماه مرج کنیاز مرکن مأمور فوق العاده به استرآباد آمده دوشب در قونسلخانه مانده اعتصام الممالک را مجبوراً با خود حرکت داده به گنبد قابوس رفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب فروش ملک

ایضاً شیخ محمدباقر فاضل برای ساختن یک دستگاہ عمارت مقروض شده، سیصد جریب اراضی محمدآباد کتول که متعلق است به امیرامجد به ایوانف جنرال قونسول معزول می فروشد. مبلغ شش هزار منات را امیرامجد با جنرال مذکور مذاکره می نماید که شما ملک من را برای چه علت از شیخ فاضل می خرید. شیخ مذکور که در خاک کتول ملک موروثی نداشته بی جهت املاک مردم را می فروشد. جنرال معزول جواب می دهد که من خریدارم و تصرف خواهم کرد. امیرامجد به کارگذاری رفته مشغول مذاکره می باشد.

درباب سرقت

شب پانزدهم ماه مرج هفت بار برنج از خانه حاجی احمدآبادی تاجر به سرقت

می‌برند. دوتخته قالیچه ترکمانی هم از منزل کارگذار محقق‌الملک سرقت کرده سارق معلوم نیست.

درباب مواشی ترکمان

به عرض رفته تراکمه تبعه ایران آنچه گوسفند و گاو داشته نصف کردند و تمام اسبهای تراکمه را روسها ضبط نمودند. لکن مواشی تراکمه چاروا را تماماً گرفته از شتر و غیره و گوسفند و مادیان واسب همه را به گنبد قابوس جمع نموده اتباع روس که سابقاً زیرحد کرده‌مها و نیرکان و شیرنگ و گوک‌تپه منزل داشته، آنچه ترکمانها خسارت به آنها رسانیده بودند از مواشی ترکمان و اجناس خاندهای چپاول‌شده به آنها غرامت می‌دهند. در گنبد قابوس هم از تراکمه ایران سوار گرفته و لباس دولتی به آنها می‌پوشانند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۹

۲ ماه اپریل ۱۹۱۷

درباب قشون روس

به فاصله سه روز هشتصد نفر سالداد با اسلحه و قورخانه از راه قراسو به روسیه رفتند. یکصد و پنجاه نفر سالداد، شصت نفر قزاق و چهار عراده توپ در استراباد گذاشته، یکصد و پنجاه نفر هم در آق‌قلعه ساخلو می‌باشند.

درباب گرمانویج

مشارالیه بعد از رفتن جنرال پاتایف به روسیه برای جمع‌آوری مالیات کتول و رامیان می‌رود. اموال غارت شده ترکمان که تصرف اهالی کتول بوده دوهزار تومان از قالی و قالیچه و پلاس و غیره را جمع نموده، چند تا قالیهای مرغوب را به روسیه می‌فرستد. این مطلب را به قونسول راپرت می‌دهند. یک نفر غلام قونسولگری برای اجناس مذکور به کتول رفته، گرمانویج اعتنائی نکرده امر نمود غلام قونسول را بیرون نمودند. قونسول از گرمانویج شاکی شده قرار شد یک‌ماه مشارالیه را حبس نمایند. مراجعت مشارالیه از قول رشیداف جنرال قونسول اظهار داشت که شما مقصر هستید، یا در استراباد حبس باشید یا به روسیه بروید. لهذا گرمانویج که از طرف جنرال پاتایف مأموریت داشت به عنوان مقصر معرفی شده، به روسیه رفتند. از بابت تعمیر راه و مخارج اردوی روسها که نمه‌دار بود هزار و یکصد و هفتاد تومان طلب کربلائی علی نجارباشی رانداده بردند. تاچه شود.

درباب مالیات

بیست و سیم ماه مرچ از طرف وزیر مالیه حکم شد امیرخان که رئیس مالیه اسرآباد، فندرسک و شاهرود است يك نفر نماینده... ۱۰... تعیینید را به فندرسک فرستاده منظم نمایند. در ضمن هم مالیات فندرسک را اداره کند. ۲۴ ماه مذکور بیان السلطان به فندرسک می‌روند. اهالی فندرسک استشهادی منهور به مهر دو بیست نفر به عنوان آقاسید جمال‌الدین مجتهد فرستاده که ما اهالی فندرسک کسی را نمی‌خواهیم. میرزا هادی خان شجاع نظام را به کلانتری و حکومت فندرسک خواهانیم. هر آینه تهورانه برای این کار اتفاقی افتاد تقصیر از ماها نمی‌باشد. اطلاعاً عرض کردیم.

درباب روسها - مشروطه

بعد از خبر رسیدن از مجلس دوما و حبس امپراطور و امپراتوریس و انتشار روزنامه‌های روس و ترکی، قشون روس که اسرآباد بوده تماماً مشعوف و خوشحالی کردند. يك نفر قزاق روز بیست و ششم ماه مرچ نزد کماندان ۱۱ خود رفته سلام غیر رسمی [می‌دهد] و اسم کماندان را به زبان جاری نمی‌کند. مرتبه دویم و سیم عنوان کرده کماندان می‌گوید چرا بی‌احترامی کردی، يك سیلی به صورت قزاق می‌زند. قزاق به اردورفته به فاصله نیم ساعت تماماً سوار شده اطراف منزل کماندان را گرفته نامربوط می‌گویند که حالیه مساوات است و خیال کشتن کماندان را داشتند. قونسول با خبر شده آدم فرستاد قزاقها را متفرق کرده تعهد نمود مراجعت جنرال ماگرید از تاشکند قراری برای مجازات کماندان بدهند.

درباب مسعود السلطان

بر حسب اجاره کرد محله مشارالیه به اجازه قونسول روس با چند نفر سوار به کرد محله می‌رود که مالیات سنه ماضی را جمع نموده در ازاء طلب خود دوازده هزار تومان که مال الاجاره را به جنرال پاتایف برساند. اهالی کرد محله شورش نموده مشارالیه را به خود راه نداده بیرون کردند. مراجعت به قریه کلاجان دوفرسخی مغربی آمده به واسطه نزاع ملك دونفر سادات مفیدی را حبس می‌نمایند. سادات مفیدی هم پسر مسعود السلطان را در شهر گرفته حبس می‌نمایند. عدم کفایت حکمران شهر و اطراف اغتشاش کلی دارد. مال برای مردم نیامده است. همه شب ازدهات مال به سرقت می‌برند و حکومت هم با این بی‌کفایتی به توسط ساعد السلطنه و شیخ محمد باقر استشهادی نوشته است که تلگراف نمایند. اهالی بلد همین شخص را به حکومت می‌خواهیم. برای کارهای بی‌معنی که از او ناشی شده علمایان که رنجش داشته همراهی ندارند. شب بیست و نهم ماه مرچ سه نفر سالداد توی بازار دو درب دکان را شکافته به قرب سی و پنج تومان اجناس به سرقت بردند. در این مدت يك ساله آنچه سرقت توی شهر شده تماماً را سالداد با قزاق سرقت کرده است و کسی

۱۰ - يك کلمه ناخوانا.

۱۱ - اصل: کماندار (در همه موارد).

هم‌جرات ندارد اظهار نمایند.

نمره ۱۵۵

۹ ماه آپریل ۱۹۱۷

درباب ورود جنرال ماگرید

سیم ماه اپریل جنرال ماگرید رئیس قشون به اتفاق لاورف کموسر سابق به استرآباد وارد شدند. روز چهارم درباغ عباس خان محل سکونت قزاقها رفته ایشان را برای طرفداری امپراطوری تشویق می نمودند. سه شب توقف کرده باهفت نفر صاحب منصب و شصت نفر قزاق از راه قراسو عزیمت به روسیه نموده منتشر است که مشارالیه به حکومت سیریا مأموریت داشته. بعد از رفتن به فرونت قفقازیه محل مأموریت خواهند رفت. ضمناً افواه است چون باعث انهدام طوایف یموت جنرال ماگرید^{۱۲} بوده و دو کرور متجاوز اموال و مواشی ترکمان را به غارت و جرم برده مجلس دوامی روسیه تصویب نداشته، ایشان را به مقصری احضار به روسیه کرده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب طلب از قشون روس

یک عده قشون روسی که سال قبل در خراسان بوده به قرب پنج هزار منات پول گوشت و نان به یک نفر ارمنی که کفیل مخارج آنها بوده تا کنون نداده بودند، شخص ارمنی به استرآباد آمده طالب خود را به توسط قونسول مطالبه داشته، امر شد از مالهای چپاول شده طلب ارمنی را بدهند.

درباب کنیاز مرکن

معظم‌الیه در جنگ ترانسوال ساچمه خمپاره به بدنش وارد شده نشننج دارند. به واسطه خوش اخلاقی او با ترکمانها رسیدگی و آسوده کردن تراکمه و محاکمات را به مشارالیه واگذار شده، دوشب در قونسلخانه توقف [کرده] برای دلجوئی تراکمه بدجعفر بائی و گموش تپه رفته، از آنجا به گنبد قابوس می روند. لاورف موقتاً برای رسیدگی کارهای شخصی و املاک شراکتی با سلطان العلماء که در سنگ دوین است آمده، به اتفاق کنیاز مرکن رفتند.

درباب اغتشاش

چند روز است روسها حرکات وحشیانه می نمایند. توی کوچه زنهای مردم راجلو گیری

کرده دست به چادر زنها می‌زنند. شبها دسته‌دسته توی کوچه‌ها و محلات گردش کرده به‌خانه‌های مردم ریخته علناً اسباب زندگانی رامی‌برند. از رؤسای خود هم شنوائی ندارند. اهالی عموماً در تعب بوده‌اند.

درباب قزاق جدید استرآباد

عده قزاق سواره و پیاده یکصد و چهل شده‌اند. چندروز است امرشد قزاقهای مذکور را از استرآباد حرکت داده مرکز را دربارفروش قرار بدهند. من جمله امیراکرم بامسعودالسلطان که پسران خود را به اداره قزاقخانه سپرده‌اند میل‌ندارند مرکزبارفروش قرار بگیرد. امیرامجد به‌قرب ده نفر از خویشان خود را قزاق نموده‌است. برحسب کنترات ایشان با کاپیتان روس جواب داده‌است برای رفتن بارفروش مجبور هستیید، زیرا نوکری دولت دلخواه نمی‌شود. از روزاول می‌خواستید این ملاحظه را نموده باشید.

نمره ۱۱

۱۹ آوریل ۱۹۱۷

درباب قتل کردمحل

به‌عرض رفته‌بود اهالی کردمحله دوفرقه‌شده برای رفتن مسعودالسلطان ازدحام کرده اورا بیرون کردند. به‌توسط حکومت یک نفر نماینده قونسولگری، پاترده قزاق ایرانی بایک نفر نایب به‌اتفاق مسعودالسلطان به کردمحله رفته محمدقلی‌خان سرتیپ را باشکرنام کدخدا و محرك مغلولاً به‌شهر بیاورند. دوازدهم ماه مذکور عده‌ای قزاق بانمایند قونسول به کردمحله می‌روند. حسب الامر به منزل محمدقلی‌خان سرتیپ که از طرف گرمانویج برای دودانگ ونیم خالصه سپهدار مباشرت داشته رفته اورا تحت‌الحفظ به‌شهر بیاورند. اهالی کردمحله به‌ضدیت مسعودالسلطان بلوا کرده قزاقها را چوب زده، دوقبضه تفنگ آنها را می‌گیرند. صبح چهاردهم اپریل حسین نایب به قزاقها فرمان داده بروند محمدقلی‌خان [را] بگیرند. رعایا باکسان مشارالیه باچوب به سر قزاقها می‌آیند. فرمان شلیک داده قزاقها می‌زنند. ابراهیم‌خان وقهارخان پسر عموهای محمدقلی‌خان سرتیپ را تیر گرفته مقتول، دستیک نفر زن گلوله گرفته مشرف به موت است. بعد از قتل محمدقلی‌خان را باپسرش و شکر کدخدا را گرفته به شهر آورده حبس می‌نمایند. شکر کدخدا را باحضور محمدقلی‌خان استنطاق کرده، اظهار داشت محرك یک نفر ارمنی است که از طرف اداره جنرال پاتایف در کردمحله بوده تحریک می‌کرد. بعد از قتل بستگان محمدقلی‌خان سرتیپ مسعودالسلطان هم فراری می‌کند. لکن اهالی کردمحله عموماً بلوا دارند، مسعود السلطان را به‌خود راه نمی‌دهند. تاجه اقتضا کند.

درباب روسها - مشروطه

شازدهم ماه اپریل که عید ملی روسها است چهارصد نفر از سالداد توپچی و قزاق دسته بندی کاملی نموده تماماً روی پاگنها و درجه های خود را پارچه قرمزی نصب کرده بیرق متعدد قرمز بدسر چوب بلند نموده با موزیک بدقونسرخانه آمده تبریک مجلس مشروطه را به آواز بلند هورا هورا می گفتند. سالدادهای آزادی طلب نطق مفصل برای خلع امپراطوری نموده، صاحب منصبان از ترس هر یک نطقی کرده و احترام خود را خواهان بودند. به قرب دو ساعت جنرال قونسول راتوی آفتاب نگاه داشته با موزیک مشغول نطق و هورا هورا بودند. لکن روزنامه های ترکی می نویسند دولت آلمان قشون روس را خیلی عقب نشانیده، ملت روسیه مذاکره صلح را می نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب تراکمه

از قرار مذکور دونفر ترکمان از طرف ایلات یموت و کالتا برای دو کرورخسارت خود در پطرگرا د رفته از دست جنرال ماگرید شکایت نمایند. تاچه شود.

درباب خشکی هوا

از اول حمل تاکنون بارندگی نکرده. تمام آبهای رود و قنواتها نصف کسر آمده. غلات بکلی خراب شده، هر آینه دو روز دیگر بارندگی نشود ابدأ غله در استراپاد عمل نخواهد آمد. برنج را باری چهارده تومان می فروشند آرد باری دوازده تومان، جو باری شش تومان است. هوای بسیار گرم که مانند اول سرطان باشد این روزها تصور می شود.

نمره ۱۲

۲۶ ماه اپریل ۱۹۱۷

درباب کمیته روسها

بیستم ماه اپریل کمیته [ای] از طرف مات مشروطه روس به آق قلعه وارد گردیدند. لایرف کمیتر سابق [را] در صحرای یموت دستگیر نموده، نشان او را برداشته، نود هزار منات باهفت پوٹونیم پول سفید که معادل دوهزار و سیصد و سی و سه تومان است از او گرفته تحط الحفظ به روسیه فرستادند. مشغول تفتیش امورات و خسارات تراکمه می باشند که رؤسای قشون روس چقدر خسارت وارد کرده، از قراری که انتشار دارد کمیته مذکوره مجدداً گریگرایف [را] به قونسولگری استراپاد معین نموده اند. چند رأس اسبهای تراکمه جعفر بای که در تصرف روسها بوده مسترد نمودند. احتمال دارد کمیته مزبوره به شهر وارد شوند. صاحب منصبان روسی هم در تزلزل افتاده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب حریق آمل

از قرار مذکور سه هزارخانه [را] در آمل کمیته سری آتش زده‌اند. وزارت داخله تلگرافی به حکومت استرآباد نموده برای اهالی آمل وجه اعانه جمع نمایند.

درباب سرقت

ترکمانها باز بنای شرارت و دزدی را گرفتند. در این چندروزه هشت مال از اوزبیه برده، سه رأس مال از جعفرآباد نیم فرسخی شهر به سرقت برده، هشت رأس مال از قریه فوجرد یک فرسخی شمالی به سرقت رفته. همه شب ازدهات اطراف مال سرقت می‌نمایند.

درباب مازندران

بیست و سیم ماه مذکور اگنط بارفروش خبر داده است که چند درب‌دکان اتباع روسی را در بارفروش آتش زده‌اند. اسمعیل خان امیر مؤید را محرک می‌دانند. فوراً از طرف قونسول امرشد صدنفر سالداد بادو عراده توپ حرکت کرده از راه قراسو به سمت بارفروش رفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب قزاق جدید استرآباد

عده قزاقهای ایرانی که در استرآباد گرفته بودند یکصد و پنجاه نفر می‌شد، کاپیتان روسی که فرمانده بریگاد است محل توقف قزاقهارا در بارفروش قرار می‌دهند. حکومت با امیرامجد که هر یک سی نفر از کسان خود را به اداره قزاقخانه داده بودند برای رفتن بارفروش راضی نشده. روز بیست و چهارم اپریل صاحب منصبان بریگاد از ایرانی و روسی به سمت بارفروش رفتند. عده قزاق جدید چهارده سوار و سی نفر پیاده بود. بعضی آنها را مجبور آورده‌اند.

درباب چپاول

بیست و پنجم اپریل عباس نام مکاری هشتصد تومان از تجار پول گرفته به گموش تپه می‌رود نبات خریداری نماید [به] سه نفر ترکمان بر خورده پول او را گرفته و دوسه زخم به او زده‌اند. لاکن سارق پول شناخته نشده است.

درباب رئیس قشون

لواءالدوله رئیس قشون که یک سال ونیم است مأمور استرآباد بوده هزار و دو بیست تومان از دولت طلبکار است، به همین معادل هم مقروض است او را معزول کردند. سالار اشرف برادرزاده مرحوم علاءالدوله را به ریاست قشون شاهرود و استرآباد مأمور نموده روز بیست و ششم ماه اپریل باسی نفر سوار گوداری وارد به استرآباد شدند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۳

دهم ماه می ۱۹۱۷

درباب اسب دوانی

مسیو ایوانف قونسول معزول سابق به اتفاق حکومت و خوانین چند رأس اسب بیرق گذارده روز بیست و ششم ماه اپریل زیر قریه محمدآباد اسب دوانیدند. اسب ساعدالسلطنه بیرق اول را برداشته ششصد منات، اسب سردار رفیع حکمران بیرق دوم را برداشته چهارصد و پنجاه منات، دوره سیم اسب ایوانف بیرق برداشته نهصد منات. مقارن غروب مراجعت نمودند.

درباب آق قلعه

سابقاً به عرض رسانیده بود روسها آق قلعه را مابین گنبد قابوس و شهر و قراسو بندرگاه قراردادند اطراف آق قلعه را با چوب و تخته می سازند به معماری استاد موسی بنا. پنجاه تومان روسها پول داده اند که در آق قلعه کوره آجری بنا نموده در تهیه آبادی آنجا می باشند. تاجه اقتضا کند.

درباب تلگراف

سلخ ماه مذکور در جواب تلگراف علمایان و ملاکین کرد محله که به طهران شاکی شده بودند وزیر داخله به حکومت استرآباد تلگراف نموده است کرد محله را توقیف نموده اجزاء جنرال پاتایف را مانع از تصرفات آنجا بشوید. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

اهالی استرآباد تازه دزد ولایتی را شناخته اند که [از] قزاقهای روسی است. چند تاجه مال ذرعی از گموش تپه حمل شده باگاری می آوردند در یکه مازو و قزاقها یک تاجه از گاریچی به جبر گرفته آوردند داخل کاروانسرا نموده صاحبش باخبر شده رفت آنچه اصرار کردند ندادند. غره ماه می همان تاجه جنس را باگاری حمل به قراسو نمودند و صاحبش قدرت نکرده حرفی بزند. در این مدت آنچه در بازار و خانه ها سرقت شده تماماً به عهده قزاقهای روسی است.

درباب سرقت وجه

به عرض رفته بود سه نفر ترکمان جعفر بانی هشتصد تومان پول تاجر استرآبادی را چپاول کرده، صاحب پول به قونسولگری عارض شده یک نفر غلام مأمور شد سه روزه هفتصد تومان را از سارق گرفته به صاحبش مسترد نموده. یکصد تومان تفریط شده است.

درباب فندرسك

بعد از قتل مرحوم میرزا سعدالله خان ایلیخانی اولاد میرفندرسکی بین وارث و عموهای آنها تکدیری برای حکومت فندرسك به هم رسیده بود، مهدی خان میرپنجه اعتنائی نداشته در این موقع اختشاش روسها رفتن بهرامیان و فرار مهدی خان میرپنجه، علی اکبر خان پسر ایلیخانی وقت را غنیمت شمرده املاکی که در تصرف عمویش بود به میرزا علی اکبر خان مترجم قونسول سه ساله اجاره می دهند. چند روزی که فراغت حاصل شد روسها از گنبد قابوس اطمینان به مهدی خان میرپنجه داده بهرامیان مراجعت کرده، گماشته میرزا علی اکبر خان معاون باپسر ایلیخانی که مشغول گرفتن مالیات بود به امر مهدی خان میرپنجه حکم شد آنها را بگیرند. از ترس شبانه فرار اختیار کرده به استرآباد آمدند و حالیه شخص مهدی خان بهرامیان توقف [کرده] و رئیس مالیه هم با ایشان همراه است.

درباب سرقه

شب پنجم ماه می چند نفر سالداد روس بازارچه نعلبندان دکان یعقوب بقال را شکافته از قند و غیره به قرب سیصد تومان به سرقه بردند. روز مذکور سالداد عین قند مسروقه را بازار آورده بفروشد. یعقوب قند را شناخته با سالداد تراع می نمایند. چند نفر سالداد رسیده کتک زیادی به یعقوب می زنند. شب ششم ماه می همان سالدادها با یعقوب خصومت نموده خانه او را سؤال کرده نصف شب به خانه اش می روند. روی سفال خانه بودند. یعقوب بیدار شده فریاد می زند. روسها فرار نموده کلاه يك نفر می افتد. صبحی را اهالی نعلبندان و چند نفر سادات به منزل آقاسیدجمال رئیس العلماء رفته شرحی آه و ناله از عدم کفایت حکومت می نمایند. آقای رئیس العلماء بدون ملاحظه خطابه ای به حکومت می نویسد یا رسیدگی به کارها نمائید یا استعفا از حکومت بدهید که مردم به هیجان آمده. حکومت جواب نوشته اگر نظم کار استرآباد استعفای من است همین نوشته من استعفا است. روز هفتم و هشتم ماه می را سردار رفیع برای متفرق کردن مردم چند نفر تجار را احضار کرده تمنی نمود مردم را متفرق نمودند. ایضاً روز نهم ساعدالسلطنه و سالار اشرف با چند نفر تجار و آقاسیدجمال درب منزل سردار رفته معاهده با حکومت نمودند هر آینه نتواند از عهده کارها برآید به سمت هزار جریب بروند. در ضمن ۱۴م سده طغرا تلگراف بد طهران عرضه داشتند که قراء خالصه استرآباد را امر نمائید از تصرف گماشته سپهدار خارج بشود و رئیس مالیه از طرف دولت تصرف نماید. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل حسن بيك

تلگرافاً خبر رسیده فدائیان ملت شب ساعت هفت از شب به خانه حسن بيك تبعه روس

۱۳- اصل: هیه جان.

۱۴- اصل: ظمن (مثل همه موارد دیگر).